



زیبایی‌شناسیِ نهاییِ ژان ژنه

مجموعه مقالات، نامه‌ها و گفت‌وگوها

| گزینش و ترجمه: مهتاب بلوکی | ستاثر: نظریه و اجرا (۱۵)

| L'esthétique théâtrale de Jean Genet | Translated by: Mahتاب Bolouki |

www.ketab.ir

سرشناسه: ژنه، ژان، ۱۹۸۶ - ۱۹۹۰ م. Bolouki, Mahtab
عنوان و نام پدیدآور: زیبایی‌شناسی نمایشی - مجموعه مقالات، نام‌ها و گفت‌وگوها از ژان / مهتاب بلوکی.
مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۲۴ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۷۶-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: مجموعه مقالات، نام‌ها و گفت‌وگوها از ژان ژنه،
موضوع: زیبایی‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Aesthetics -- Addresses, essays, lectures

موضوع: هنر -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Art -- Addresses, essays, lectures

موضوع: نقاشی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Painting -- Addresses, essays, lectures

موضوع: نقاشان

موضوع: Painters

موضوع: هنرمندان

موضوع: Artists

شناسه افزوده: بلوکی، مهتاب، ۱۳۴۴ - مترجم

شناسه افزوده: Bolouki, Mahtab

رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۶/۳۰: N۴۰

رده بندی دیویی: ۷۰۹/۲۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۰۳۴۵۰۵

شاپک: ۰۷۶-۰۷۸۰۶-۰۶۰۰-۰۹۷۸

تلفن فروشگاه: ۶۶۹۶۳۶۱۷، ۶۶۴۶۳۵۴۵

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

الفهرست مطالب |

۱۱	مقدمه
۱۵	خلاصه‌ای از پنج نمایشنامه ژان ژنه
۱۷	واژه غریب... (۱۹۶۷)
۲۹	چگونه کلفت‌ها را اجرا کنیم (۱۹۶۲)
۳۳	چگونه بالکن را اجرا کنیم (۱۹۶۲)
۳۷	پیشگفتار چاپ نشده سیاهان
۴۷	نامه‌هایی به رژه بلن (۱۹۶۷)
۸۷	نامه‌هایی به ژان ژاک پُور (۱۹۵۴)
۹۳	نامه‌هایی به برنارد فرچمن (۱۹۶۲ - ۱۹۵۶)
۱۱۱	نامه‌هایی به پاتریس شِرو (۱۹۸۳)
۱۱۳	مورد ژان ژنه (۱۹۴۹)
۱۲۱	گفت‌وگو با آندره آکار (در دهه ۱۹۸۰)
۱۲۳	گفت‌وگو با ماریا کاسارس (در دهه ۱۹۸۰)

| مقدمه |

ژان ژنه (۱۹۸۶-۲۰۰۰) نمایشنامه‌نویس فرانسوی در ایران چندان شناخته شده نیست. به غیر از نمایشنامه *کلن*، ما که بار اول در دهه ۱۳۴۰ ترجمه و چاپ شد و در سال‌های اخیر چندین بار به سخنرانی، نمایشنامه‌های دیگر ژنه، بالکن، سیاهان و پاراوان‌ها در کشور ما آثار گمنام هستند، گرچه سیاهان و بالکن در دهه ۸۰ و ۹۰ ترجمه و چاپ شدند.

ژنه همیشه نویسنده‌ای جنجال‌برانگیز بوده است. فیلسوف بزرگی چون سارتر در زندگینامه‌ای تحلیلی با عنوان *قدیس ژنه، بازیگر و شاعر*، که ژنه را به شش سال سکوت کشاند، و نویسندگانی چون کوکتو^۲ یا فراسوا^۳ در زمان حیات اولیه یا علیه‌اش موضع‌گیری کرده‌اند. پس از آن نیز فیلسوفانی چون ژاک لاکان^۴ و ژاک دریدا^۵ آثار ارزشمندی همچون *ادبیات شرو* و *ناقوس عزرا* درباره او به رشته تحریر درآورده‌اند. همه این نقدها نشانگر اهمیت نویسنده است؛ اهمیتی که شاید بعضی از مقاله‌ها، نقدها و سمینارهای بی‌شمار هنوز کاملاً روشن نشده است. گویا غنی‌ترین بحث‌های او به مرور زمان خود را نمایان می‌کند.

1. Sartre, Jean-Paul, *Saint-Genet, comédien et martyr*, 1952.

2. Jean Cocteau

3. François Mauriac

4. Bataille, Georges, *la littérature et le mal*, 1957.

5. Derrida, Jacques, *Glas*, 1974.

باید با ادبیات و لحنِ ژنه همراه شد؛ ژنه متناقض می‌نویسد و تناقض محور اصلی اندیشهٔ اوست، و برای همین ممکن است فهم آن در ابتدا دشوار باشد، پس یکی از محورهای اصلی آثار ژنه که کشف تمامیت معنایی آن را به تعویق می‌اندازد، تناقض است؛ بدین معنا که پیچیدگی آثار او نوعی سادگی را پنهان می‌کند اما همین سادگی دوباره دری به سوی پیچیدگی باز می‌کند. برای نمونه در نمایشنامهٔ سیاهان بیان تمام سازوکارهای نمایشی یعنی آنچه در متن نمایشنامه یا در پشت صحنه می‌گذرد - توسط بازیگران روی صحنه - خود نوعی ساده‌سازی سازوکار پیچیدهٔ نمایشی است. اما همین بیان یا عیان‌سازی، درک نمایشنامه را پیچیده‌تر می‌کند زیرا لایه‌های معنایی بیشتر را می‌گشاید.

گذشته از تئاتر، «اغراق» نیز یکی دیگر از محورهای اصلی اندیشهٔ ژنه به‌ویژه در نمایشنامه‌های اوست. ژنه برای فاصله‌گذاری میان فضای نمایشی خویش و فضاهای نمایشی دیگری که آبی پردازی از واقعیت روی صحنه محسوب می‌شوند، تمام عناصر نمایشی یعنی بازی‌ها، رپیت‌ها، حرکات و گفتار آن‌ها، لباس‌ها، آرایش‌ها، طراحی صحنه، نورپردازی و صدا را چنان از عادی‌معمول خارج می‌کند که نمایش به بازنمایی ناواقعیت روی صحنه بدل می‌شود. این نمونه طراحی صحنه و نورپردازی‌ای که ژنه برای اجرای نمایشنامهٔ سیاهان روی صحنه خواسته بود به این ترتیب است:

همهٔ هنرپیشه‌ها باید حتماً سیاه‌پوست باشند. اگر تصادفاً یک شب تمام تماشاچیان سیاه‌پوست بودند باید حتماً یک «تورسک» سفیدپوست در میان جمعیت نشانده شود. نور صحنه و نور سالن هر دو باید در زمان روشن شوند و باید نوری سفید و بسیار قوی باشد.

دکوری که ژنه برای پاراوان‌ها در نظر گرفته است به تدریج تا پایان نمایش به سه طبقه تقسیم می‌شود و هر طبقه نیز مکان‌های مختلفی را نشان می‌دهد؛ کاری بی‌سابقه که اجرای این نمایشنامه را بسیار دشوار می‌سازد. لباس‌ها و آرایش‌هایی که ژنه برای همین نمایشنامه در نظر گرفته است به هر یک از شخصیت‌ها چهره‌ای اسطوره‌ای می‌بخشد؛ لباس مادر از تکه پارچه‌های مختلف اما همگی به رنگ بنفش

درست شده و در طول نمایش پاهای او برهنه است، چهرهٔ یکی دیگر از شخصیت‌ها مانند تار عنکبوت آرایش شده و لباس سعید، پسرِ مادر، رنگارنگ است؛ شلوار سبز، کت قرمز، کفش زرد، کراوات بنفش کمرنگ... حتی در اجرای نمایشنامهٔ بالکن، ژنه خواسته بود که سه شخصیتِ اسقف، قاضی و ژنرال ارتش هر سه کفش‌هایی با لژی سانی متری به پا کنند.

ژنه در مورد حرکات و گفتار بازیگران روی صحنه نیز بسیار حساس و دقیق بود؛ حرکات آن‌ها نمی‌بایست هماهنگ با گفتار آن‌ها باشد و حتی از آن‌ها می‌خواست نوشتاتِ نِ صدایشان را از زمزمه به جیغی بلند تغییر دهند.

بازی انعکاس نیز از دیگر محورهای اصلی نمایشنامه‌های ژنه است. با این بازی هویت شخصیت‌ها مدام دله یا مخدوش می‌شود و بدین ترتیب هر واقعیتی خود را چون ظاهری دروغین نشان می‌دهد؛ توهمی که آن نیز خود را همچون بخشی از توهمی دیگر پدیدار می‌کند و این‌گونه گویی دو یا چند آینه تصاویر را در یکدیگر تا بی‌نهایت بازتاب می‌دهند تا سرانجام تصویر واقعیت تهی شود. در مراقبت ویژهٔ لوفران بازتاب زیور می‌شود که مرتکب قتل شاه است. در کلفت‌ها کلر بازتاب مادام می‌شود و سولانژ بازتاب خواهرش کلر؛ در بالکن خانهٔ او هامی، امیرما، او و مشتریانش، بازتاب سلطنت، دربار و حکومت می‌شوند.

نمایشنامه‌های ژنه با این تلاقی انعکاس‌ها شکل می‌گیرند و بازی آینه‌ها هر واقعیتی را به توهم تبدیل می‌کند. نه هویت واقعی شخصیت‌ها، نه اشیاء و موقیعت‌ها هیچ‌کدام قابل تشخیص نیستند و از همین روشک و تردید در جای جای نمایشنامه‌ها بروز می‌کند. این آثار نمایشی که واقعیت را در خود گم و آن را در بازی ظواهر تشریح و یکدیگر ضرب می‌کنند، نشان جست‌وجویی است که از دروغین بودن تصاویر متکثر، به راه می‌دارد.

مجموعهٔ حاضر، به غیر از متن «واژهٔ غریب...» نوشته‌هایی نظری دربارهٔ نمایش نیستند، بلکه متونی هستند پراکنده، برگزیده از میان یادداشت‌ها و توصیه‌های اجرایی ژنه به کارگردانان و بازیگران آثارش، نامه‌های ژنه به ناشرانش که اهمیت مسئلهٔ مالی را برای یک نویسنده روشن می‌کند و نیز چند متن در مورد خود ژنه آن‌گونه که دیگران او را می‌دیدند. اما شاید این متون از جهاتی برای کارگردانان، هنرپیشگان و

دست‌اندرکاران تئاتر، به‌ویژه اکنون که علاقه‌ای مجدد توأم با نوآوری در فضای هنرِ نمایش ما ایجاد شده است، الهام‌بخش باشد. برای مثال نمایشنامهٔ کلفت‌ها که در سال‌های اخیر پنج‌بار ترجمه و حداقل دوبار به صحنه رفته است، با الهام گرفتن از راهکارهای بسیار متفاوت و شخصی ژنه در امر اجرا، می‌تواند بار دیگر با جاذبه‌ای جدید به صحنه رود.

از ژنه و آثارش هیچ‌گاه نباید شفافیتی آسان را طلبید. ژنه پیچیده‌انگار و پیچیده‌نویس است اما دنیای او هر بار که چهرهٔ خود را بنمایاند، سپهری عجیب و روشن می‌کند.